

میلاد با سعادت نهمین اخترتالیناک امامت و ولایت **حضرت جواد (ع)** بر عموم شیعیان مبارک باد.

روزنامه خبری، فرهنگی،
اجتماعی محب ایران
سنه شنبه
۱۳۹۲ اردیبهشت ماه
۱۰ رجب
۱۸۱۵ شماره
۱۲ صفحه
۲۰۰ تومان
Isfahan Ziba
ویکی‌پدیا:
www.isfahanziba.ir
ریاضاتی:
info@isfahanziba.ir
پیکار: ۰۴۸۳۰۸۸

صفحه اول زیبا

ویژه نامه خدمت ماندگار



ایران / ۲

محسن رضایی در همایش نقش اقتصاد مقاومتی در تحقق حماسه سیاسی و اقتصادی:

کشور ما هرگز با
فشارهای اقتصادی
از پا در نمی‌آید

فرهنگ و هنر / ۱

گفت‌وگو با هنرمند سازنده ضریح
حرم مطهر امام رضا(ع) و امام حسین(ع):
بر حريم هنر معنوی،
دخلیل باید بست

ورزش / ۱

نقدی بر اظهارات قهرمانی که با
حمایت مردم به انتخاب جهانی رسید:
آقای حدادی تو دینت
را به این مردم ادا نکردی

۲۴ روز تا بزرگترین حماسه سیاسی سال ۹۲:
شعار قانون گرایی در آزمون صداقت

سیدحسن نصرالله ضمن تقدیر از پشتیبانی ایران از مقاومت عنوان کرد:

هدف حمایت از اندیشه‌های تکفیری
خدش به چهره اسلام است

ایران / ۲



با تصویب غیرقانونی هیات دولت، چهار روستا از اراضی اصفهان به چهار محال واگذار شد:

رد پای آب در تغییر غیرقانونی خط مرزی اصفهان

ساخت و ساز مگر قانون ندارد!
خانه‌هایی که روی حقوق شهروندی
ساخته می‌شود

اقتصاد و صنعت / ۶

طرحی برای بعضی از فضول:
از گشت ارشاد تا ایستگاه‌های حجاب
در اصفهان

در موزه شخصی در مجتمع سعدآباد انجام شد:

رونمایی از طرح‌های اولیه
ضریح امام حسین(ع)
به قلم استاد فرشچیان

روزگذشته مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد
و موزه فرشچیان این مجموعه میراث افرادی
بود که برای رونمایی از طرح‌های ضریح امام
حسین(ع) که توسط محمود فرشچیان
نمایر ایرانی کشیده شده‌اند، آمده بودند.
تذکری به ۱۵۰ اثر از اثار فرشچیان روی گاغه
طرحی کشیده شده‌اند.

اقتصاد و صنعت / ۶



نمونه اساسن گل محمدی، به تأیید صنایع عطر سازی فرانسه رسید:

عطر طلای معطر اصفهان؛ گران‌ترین اساسن دنیا



با فضیلت ترین و ارزشمندترین عبادت‌ها آن است که غالباً دیدن ریا باشد.
امام جواد علیه السلام





شماره ۱۸۱۵
سدهشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲
لرتبه باسروپن جامده:
Jamee@lsfahanziba.ir

سال حماسه سیاسی، حماسه اقتضادی

سلام بچه های عزیزم...

پهنهای شما قدر می‌گذرید که بجهه شیرینی بیشتر است یا یک دسته گل؟ این داراش کوچک‌بودی من از دیشب یک دفعه می‌گذرد. اول کلمی فکر کردم و بعد یادم اومد که برای روز پدر می‌فواهد هریه بفره کل یا شیرینی.

داراش گفت: «کل می‌فرم و بعد پشم‌هایش را بست و بوی گل‌های زر قمز را بایک رمان سفید توی زهنش تصور کرد. به به په بیوی می‌راد. هتماً بایا فوشش می‌اوید. ولی بعد فکر شمشهار و دوباره پشم‌هایش را بازگرد و این بار گفت: «شیرینی!» و بعد بود هتماً بایا از خودن شیرینی‌ها فوشش توی قلرش نقش بست. داراش آن دهنش را قورت داد. به به په فوشمه برازی همیشه ای با تله میوه‌های فوشمه توی قلرش نقش بست. داراش نمی‌توانست تضمیم گاید. شیرینی یاکل؟ راستی بچه‌ها شما برای روز پدر که ولادت هضرت علی (ع) په تضمیمی دارید؟ بعضی بچه‌ها نقاشی می‌شنند. بعضی نامه می‌نویسن و بعضی هم به باز هریه یک بوس آبدار به بایا می‌تنند. به به په بوسی اپه کیفی می‌بره بایا.

زنگ دینی



زنگ دنگ

زنگ چیه
باز هم زنگ دینی
بچه‌ها سیزدهم رجب ولادت حضرت

علی (ع) است.
حضرت علی (ع) امام اول ما شیعیان
هستند. بچه‌ها می‌دونید مادر حضرت
علی (ع) فاطمه بنت اسد نام داشتند و پدرشان
حضرت ابوطالب عمومی حضرت محمد (ص)



بودند.

روزی که مادر حضرت علی (ع)
می‌خواستند ایشان را به دنیا بیاورند به
سمت کعبه حرکت کردند.
نژدیک خانه خدا که رسیدند ناگهان دیوار
خانه خدا شکاف برداشت و باز شد. مادر
حضرت علی (ع) وارد خانه خدا شدند و بعد از
 ساعتی باز هم همان شکاف باز شد و مادر
حضرت علی (ع) با کودکشان که بعدها امام
اول ما شیعیان شد، از خانه خدا بیرون آمدند
بعد آن روز چند روز در خانه ابوطالب جشن
و شادی بود. بچه‌ها! برای همین یکی از
لقب‌های حضرت علی (ع) مولود کعبه است.



دنگ دنگ

مثل اینکه زنگ دینی به پایان رسید.
بچه‌ها در مورد حضرت علی (ع) از پدر و
مادر تان باز هم سوال کنید.



دفتر و مدادهای مهربان

سعیده لندي

مریم کوچکلو می‌فواست نقاشی بکشد. ولی
نمی‌توانست. مدارها انگار پسیده بودند کف با
مداداری. سفت و سفت شده بودند و بیرون نمی‌آمدند.
دفتر نقاشی اش را هم نمی‌توانست باز کند. دفتر
گفت: «مریم فانم من روز اول یک عالمه برگه سفید
داشتم مثل تور عروس ولی تو عوض این‌که روی این
برگه‌ها نقاشی قشک‌بکشی همه را فقط سیاه‌کردی. فقط
قهربر. ملکه من که په کارکردم؟» مدار آنی که فرش از
تمام مدارها کوتاه‌بود گفت: «بین آن‌هه من از اول
این قرق‌بودم؟ من که اندازه برادرهایم بودم ولی تویی
من را تراشیدی و تراشیدی بروون دلیل من هلا قدام
که قلب مهربانی اشتدت به یکدیگر تله کردند و بعد
لبنده زدن و گفتند فوب هال که قول دادی می‌توانی
بیایی و یک نقاشی فوب بکشی. مریم یک نقاشی زیبا
بودم بلند قدر و زیبا به رنگ گل‌های رز ولی هلا پی
این قرق‌کوتاه شده‌ام که تو دیگر نمی‌توانی من را بگیری



پسر عمو قاف و کیف جادوی

مریم بهزاد نژاد

سینا با فوشمالی طناب قرمزی را که گردن دایناسور
بود گرفت و راه اختار. اما دایناسور از بس که بزرگ
بود، ماشین‌ها را مثل گوشت‌کوب له می‌کرد و پیون
از رکوپه‌ها را در نمی‌شد، دیوارها را مثل بولو و زر فراب
می‌کرد و می‌رفت.

بعد از مردمی دایناسور گرسنه شد و پیش فورش فکر کرد

بد نیست پند تا از آدم ها را مثل پیلا بفورد. مردم

با گردن دایناسوری کرسنکه که مثل هلیک سبز

بود و می‌فواست آنها را بفورد فرار

می‌کردند. سینا که دید شهر به هم

ریخته و همه با داره فراب

می‌شود، پیش پسر عمو قاف

قاف برگشت و گفت: «تو باید

اون دایناسور را تویی کیفت

برگزونی!»

پسر عمو لای پشم‌هایش را باز

کرد و گفت: «ملکه هیوانی

نمی‌فواستیک که کسی نرا شنده

باشه و به همه پز برقی؟» سینا

جواب داد: «نه! دیله نمی‌فواه!

من اشتباه کردم. اصلاً پز دادن لار فوبی نیست. اون

دایناسور راهه همه با را فراب می‌کنه!»

پسر عمو قاف قاف دنبال دایناسور عصبانی و گرسنه

رفت و وقتی او را دید، دمش را گرفت و با یک

مکرت آنکه باتیک آن را تویی کوته بشی کوچک‌بودی

چاند و گفت: «قدر سبک بورق. قلک لئنمق هیپی

نفوره بورق! بعد در کوهه اش را بست و به سمت

شهر دیگری به راه اختار.

یاقوی ... ای نیرومند

امروز بایا فیلی فسته بود. از سر
کار که اومد فونه. همین طور
بدون این‌که لباس‌هایش را
در آورد روی مبل افتاد و فوابش
برد. سعیه نمی‌شی کلی کن که تومون
با باها قوی باشند و هیچ باپایی
فسته نشه تا همه پهنه‌ها بتونند با
آن‌ها سهابی بازی کنند.

آمنین یا رب العالمین

موز میوه طلایی
بین چطور بلایی
تو میوه ها سرووره
ویتامینش بهتره

شاد و قشنگ پر تقال
سبز اگه باشه میشه کان
ویتامین سی داره
تولد ما چه داره

لیمو چه ترش و شیرین
زرد و پر از ویتامین
ویتامین بی وسی
بغور بازنگوکه چی

توت سفید و سیاه
توت فرنگی دلخواه
به چقدر مفیده
هر کیه خودره دیده

قدیم آلبالویی
گیلاس به این هلوی
میوه فصل پهار
از قوی جعبه بردار

رنگ آمیزی



